



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۰۱

نویسنده: ن . جلیل زاد

تاریخ تسلیم ناپذیر افغانستان

تاریخ مردمانی است که هرگاه جهان گمان برده است این سرزمین فرو می افتد، از دل خاکسترش دوباره برخاسته است .

این روایت، تنها شرح جنگ ها نیست، شرح وجدان تاریخی یک ملت است که آزادی را نه به عنوان یک شعار، بلکه به عنوان جوهر هستی خود فهمیده است .

در این جا ، تلاش می‌کنم تصویری مفهومی، تحلیلی، تاریخی و حماسی از آن غازیانی بدهم که در برابر استعمار ایستادند و وطن را از چنگ قدرت های جهانی رهانیدند.

افغانستان

سرزمین مقاومتِ ساختاری

افغانستان از همان آغاز، در چهارراه امپراتوری ها قرار داشت، جایی که هر قدرتی می خواست آن را ببلعد، اما در نهایت خود بلعیده می شد. این موقعیت جغرافیایی، مردم را به دو چیز عادت داد:

یکی جنگیدن، دیگری آزاد زیستن.

در این سرزمین، آزادی یک انتخاب نبود، یک ضرورت بود .

زیرا هرگاه مردم از آن غفلت کردند، بیگانه بر دروازه ها کوبید.

استعمار و آغاز نبردهای نوین

در قرن نوزدهم، استعمار اروپایی با چهره ای تازه وارد منطقه شد .

بریتانیا، که هند را در اختیار داشت، افغانستان را «دروازه‌ای امنیت هند» می دانست .

اما آنچه آنان نمی دانستند این بود که این دروازه، دروازه‌ای فولادین است، نه از آن نوعی که با توپ و تفنگ شکسته شود، بلکه از آن نوعی که با ایمان، غیرت و همبستگی ساخته شده باشد.

سه جنگ بزرگ افغان-انگلیس، نه فقط نبردهای نظامی، بلکه آزمون های تاریخی برای سنجش روح ملت بودند.

جنگ اول افغان-انگلیس

آغاز افسانه

در ۱۸۳۹، انگلیس با غرور امپراتوری وارد افغانستان شد .

آنان گمان می کردند با چند هزار سرباز و چند قرارداد سیاسی، می توانند این سرزمین را رام کنند .

اما در زمستان ۱۸۴۲، هنگامی که ارتش بریتانیا از کابل عقب نشینی کرد، تنها یک نفر از آن لشکر عظیم زنده به جلال آباد رسید.

این واقعه، نه فقط شکست نظامی، بلکه شکست روانی استعمار بود .

جهان فهمید که افغانستان را نمی توان اشغال کرد، تنها می توان با آن کنار آمد.

جنگ دوم

تولد غازیان نوین

در ۱۸۷۸، انگلیس دوباره بازگشت .

این بار با تجربه تر، اما باز هم با همان توهم برتری .

در این دوره، چهره هایی چون غازی محمدجان خان وردک، غازی ایوبخان، غازی شیرعلی خان و صدها سردار و عالم و دهقان و جوان گمنام، در برابر آنان ایستادند.

ایوبخان در میوند، با ارتشی کوچک، یکی از بزرگ ترین پیروزی های تاریخ ضد استعمار را رقم زد .

فریاد ملاله میوند که گفت:

«که وطن نه وی، نو ژوندون دی څه کا»

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

به شعار یک ملت تبدیل شد. میوند نشان داد که جنگ را همیشه توپ و تفنگ تعیین نمی کند، گاهی روح مردم تعیین می کند. جنگ سوم استقلال سیاسی و تثبیت هویت در ۱۹۱۹، امان الله خان جوان، با جسارت اعلام کرد که افغانستان دیگر تابع هیچ قدرتی نیست. جنگ سوم افغان-انگلیس کوتاه بود، اما پیامش بلند: ملت ما آزاد است، و آزادی اش را با خون مهر کرده است. نتیجه این جنگ، استقلال کامل سیاست خارجی افغانستان بود. این پیروزی، نه فقط یک دستاورد سیاسی، بلکه تثبیت هویت تاریخی بود، هویتی که می گفت: «افغانستان کشور تسلیم ناپذیر است.»

تحلیل چرا افغانها در برابر استعمار شکست ناپذیر بودند؟ دلایل این پایداری را می توان در چند محور تحلیل کرد: ساختار اجتماعی غیرمتمرکز: هیچ نیروی خارجی نمی توانست با شکست یک مرکز، کل کشور را تسخیر کند. هر قریه یک سنگر بود. فرهنگ عنعنوی و عرفی مقاومت: جهاد، غیرت، ناموس، و دفاع از خاک، مفاهیمی بودند که مردم را بسیج می کردند. جغرافیای سخت اما آشنا: کوه ها برای بیگانه مانع بودند، اما برای افغانان پناهگاه و میدان مانور. رهبری های کاریزماتیک و مردمی: از احمدشاه درانی تا ایوب خان، از ملاله تا هزاران غازی گمنام، رهبری مقاومت همیشه از دل مردم برمی خاست. روحیه ای استقلال طلبی: افغانان نه ثروت استعمار را می خواستند، نه امتیازهایش را، تنها آزادی را می خواستند.

غازیان قهرمانان بی ادعا غازیان افغانستان، برخلاف بسیاری از قهرمانان جهان، نه برای تاج و تخت جنگیدند، نه برای غنیمت. آنان برای ناموس وطن جنگیدند. غازی یعنی کسی که مرگ را نه شکست، بلکه دروازه ای عزت می داند. غازی یعنی کسی که اگر هزار بار بیفتد، هزار و یک بار برمی خیزد. غازی یعنی فرزند کوه، فرزند غیرت، فرزند تاریخ. میراث مقاومت پیام برای امروز تاریخ تسلیم ناپذیر افغانستان، تنها یک گذشته نیست، یک سرمایه ای معنوی برای امروز است. این تاریخ به ما می گوید:

هیچ قدرتی ابدی نیست. هیچ اشغالی پایدار نیست. هیچ ملتی که برای آزادی بجنگد، شکست نمی خورد. و هیچ سرزمینی که غازیان داشته باشد، هرگز برده نمی شود. این تاریخ، ما را دعوت می کند که هویت، وحدت، و عزت را پاس بداریم، زیرا این سه ستون، همان چیزی اند که غازیان با خون خود حفظ کردند. سخن پایانی افغانستان، روایت ایستادن افغانستان در طول تاریخ، بارها و بارها آزموده شد، اما هر بار ثابت کرد که این خاک، خاک ایستادن است، نه افتادن. غازیان افغان، با ایمان و شمشیر و غیرت، نه تنها استعمار را شکست دادند، بلکه به جهان آموختند که آزادی را نمی توان صادر کرد، باید از درون جوشید. این سرزمین، با همه زخم هایش، هنوز هم همان افغانستان است: سرزمین شیران، سرزمین ملاله، سرزمین میوند، سرزمین استقلال. سرزمین تسلیم ناپذیران.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ